

## **Study of Blue victimology in Iranian Law and International Documents with Emphasis on Police Support for Women and Children**

Mahdieh Vajdani Fakhr;<sup>1</sup> Shahraddad Darabi<sup>2</sup>; Ali Najafi Tavana<sup>3</sup>

Received: 14/10/2020

Accepted: 03/03/2021

### **Abstract**

**Background and Aim:** The term "blue victimology" is the study of international rules, regulations and norms that have been adopted with the focus on UN documents on criminology and victimology of women and girls. The purpose of this study is to investigate blue victimology from the perspective of protecting women and children victims at the level of international regulations and also to identify the capacities of Iranian domestic law in protecting them, especially in the field of policing.

**Method:** This research is a descriptive-analytical method based on international documents and regulations and the study of Iranian laws and regulations, especially the criminal procedure approved in 2013, in the field of police protection of injured women and children in the form of documents and libraries.

**Results and conclusion:** The study showed that water victimology at the legislative, judicial and executive levels in Iran, in line with related international regulations, in various dimensions, has improved the situation of women and children through measures such as improving police support and reducing the harm of preliminary research. With the prediction of the juvenile police and the female police, it is on a new path, but to reach the desired point, it needs new laws and regulations and the localization of international regulations in accordance with Iranian and Islamic culture.

**Keywords:** Blue Victimology, Women Victims, Domestic Violence, International Documents, Iranian Legal System

---

1 PhD Student in Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran: Mahdie.vojdani@gmail.com

2 Assistant Professor of Criminal Law and Criminology, Department of Law, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Qom, Iran (Corresponding Author): shahraddad.darabi@yahoo.com

3 Assistant Professor of Criminal Law and Criminology, Department of Law, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran: Najafi.tavani@gmail.com

## مطالعه بزه‌دیدة‌شناسی آبی در حقوق ایران و اسناد بین‌الملل، با تأکید بر حمایت پلیسی از زنان و کودکان

مهديه وجدانی فخر<sup>۱</sup>؛ شهرداد دارابی<sup>۲</sup>؛ علی نجفی توانا<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۳

### چکیده

**زمینه و هدف:** اصطلاح «بزه‌دیدة‌شناسی آبی»، مطالعه قواعد، مقررات و هنجارهای بین‌المللی است که با محوریت اسناد سازمان ملل متحد در زمینه مسائل جرم‌شناختی و بزه‌دیدة‌شناختی مربوط به زنان و دختران به تصویب رسیده است. هدف این پژوهش، بررسی بزه‌دیدة‌شناسی آبی از دیدگاه حمایت از زنان و کودکان بزه‌دیدة در سطح مقررات بین‌المللی و نیز شناسایی ظرفیت‌های حقوق داخلی ایران در زمینه حمایت از آنان به ویژه در حوزه پلیسی است.

**روش:** این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر اسناد و مقررات بین‌المللی و مطالعه قوانین و مقررات ایران به ویژه آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲، در حوزه حمایت‌های پلیسی از زنان و کودکان بزه‌دیدة به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای انجام گرفته است.

**یافته‌ها و نتایج:** پژوهش نشان داد بزه‌دیدة‌شناسی آبی در سطوح تقنینی، قضایی و اجرایی در ایران همسو با مقررات بین‌المللی مرتبط با آن، در ابعاد مختلف، باعث بهبود وضعیت زنان و کودکان شده که با اقداماتی از جمله ارتقای حمایت‌های پلیسی و کاهش آسیب‌های تحقیقات مقدماتی با پیش‌بینی پلیس اطفال و پلیس زن در مسیر جدیدی قرار گرفته، اما برای رسیدن به نقطه مطلوب، نیازمند قوانین و مقررات جدید و بومی‌سازی مقررات بین‌المللی متناسب با فرهنگ ایرانی و اسلامی است.

**واژه‌های کلیدی:** بزه‌دیدة‌شناسی آبی، زنان بزه‌دیدة، خشونت خانوادگی، اسناد بین‌المللی، نظام حقوقی

ایران

۱. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران:

Mahdie.vojdani@gmail.com

۲. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران ایران واحد قم، ایران (نویسنده

مسئول): shahrdad.darabi@yahoo.com

۳. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران:

Najafi.tavani@gmail.com

## مقدمه

سازمان ملل متحد به عنوان پیش‌گام بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، اقدامات متعددی را برای حمایت از بزه‌دیدگان خاص از جمله زنان و کودکان انجام داده است. اصطلاح بزه‌دیده‌شناسی آبی، برای همه فعالیت‌ها، رویدادها و نوشته‌هایی به کار می‌رود که در سطح جهانی با محوریت سازمان ملل متحد درباره بزه‌دیدگان خاص بر پایه مفهوم‌ها و نظریه‌های بزه‌دیده‌شناسانه در قالب هنجارها، مقرره‌ها و یا رهنمودهایی به صورت قطعنامه و اعلامیه شناخته می‌شوند (رایجیان اصلی، ۱۳۹۸، ص ۱۶). در واقع بخش قابل توجهی از اسناد و هنجارهای بین‌المللی در سطح سازمان ملل متحد با مسائل و موضوعات زنان و دختران پیوند می‌خورند. مسلماً یکی از ابزارهای نظام کیفری برای پیشگیری و حمایت از زنان و کودکان بزه‌دیده، پلیس است که به عنوان ضابط دادگستری انجام بخش بزرگی از فرایند تحقیقات مقدماتی را بر عهده دارد. اما اختیارات و امکانات پلیس تا چه اندازه توان حمایت از زنان و کودکان بزه‌دیده را دارد و آیا به تنهایی می‌تواند کافی باشد یا لازم است هم‌زمان با اقدامات کیفری و پلیسی، اقدامات فرهنگی و اجتماعی نیز توسط دولت و سازمان‌های مردم‌نهاد انجام پذیرد؟ فراتحلیل پژوهش‌های انجام گرفته در خصوص خشونت علیه زنان و کودکان و تصویب برخی قوانین همانند قانون مبارزه با کودک‌آزاری، ضرورت بازتعریف رویکردهای پلیسی و حمایتی از زنان و کودکان بزه‌دیده را آشکارتر نموده است. هنجارهای مندرج در اسناد حقوق بشری سازمان ملل متحد، از جمله هنجارهای ناظر بر منع خشونت علیه زنان و کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان - که تعهد دولت‌ها را بر محو همه اشکال قاچاق و بهره‌کشی جنسی زنان شامل می‌شود - و هم‌چنین، هنجارهای ناظر بر شناسایی و حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان (همانند کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ و پروتکل‌های آن) و اعلامیه ۱۹۸۵ را می‌توان در راستای معیارهای بزه‌دیده‌شناسی آبی برای حمایت از زنان بزه‌دیده در نظر گرفت. رویکرد نظام کیفری ایران نیز به تبعیت از هنجارهای بین‌المللی به موضوع بزه‌دیدگی زنان و کودکان، با پیش‌بینی تشکیل پلیس اطفال و انجام تحقیقات مقدماتی متهمین زن توسط پلیس آموزش

دیده زن، وارد مرحله جدیدی از رویکردهای حمایتی شده و دغدغه‌های قانونگذار ایران را در زمینه بزه‌دیدگی زنان و کودکان نشان داد. هم راستا و همسو با حمایت‌های کیفری، اقدامات تقنینی و اجرایی برای ارتقای سطح معیشت و منزلت زن در جامعه ایرانی با حمایت از زنان سرپرست خانواده و زنان بد سرپرست نیز آغاز شده است (فرزین راد، ۱۳۹۸، ص ۸۳). این پژوهش سعی دارد به این پرسش‌ها پاسخ دهد: یک) مهم‌ترین چالش فراروی نظام حقوقی و کیفری ایران در راستای حمایت از زنان بزه‌دیده با تاکید بر بزه‌دیده‌شناسی آبی و اسناد بین‌المللی چیست؟ دو) الزامات قانونی پلیس برای حمایت از زنان و کودکان در فرآیند تحقیقات مقدماتی همانند بازجویی چیست؟

**پیشینه پژوهش:** برای اولین بار اسلاومیر ردو<sup>۱</sup> در کتاب جرم‌شناسی آبی در سال ۲۰۱۲ به بررسی مفهوم و ابعاد و شاخص‌های بزه‌دیده‌شناسی آبی پرداخت. وی این واژه را به منزله قلمرویی برای مطالعه فعالیت‌ها و رویدادها و مصوبات سازمان ملل متحد در زمینه جرایم بر علیه زنان و کودکان، بزه‌دیدگی و چگونگی پیشگیری از آن معرفی می‌کند (رایجیان اصلی، ۱۴۹، ص ۱۳۹۸). همچنین پژوهشی توسط جان. پی. دوسیچ<sup>۲</sup> با عنوان زن کشی<sup>۳</sup> به موضوع پاسخ‌های سازمان ملل نسبت به بزه‌دیدگی زنان و کودکان و نحوه حمایت از زنان بزه‌دیده پرداخته و اصطلاح بزه‌دیده‌شناسی آبی را برای توصیف و تلاش‌های سازمان ملل در خصوص حمایت از این بزه‌دیدگان به کار می‌برد.

**مبانی نظری:** در ادامه مبانی نظری به اختصار مرور می‌شود.

سازمان ملل متحد به عنوان مهم‌ترین سازمان بین‌المللی با توجه به برخورداری و بهره‌گیری از صلاحیت‌های عام، موضوع حمایت از حقوق زنان را ضمن اصول برابری و منع تبعیض مورد توجه قرار داده و در این زمینه به خلق یک مجموعه میراث تاریخی مشتمل بر موافقت‌نامه‌ها، استراتژی‌ها، معیارها و برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی برای پیشرفت زنان دست زده است (آقابابایی، ۱۳۹، ص ۳۶)؛ اگرچه به دلیل ضعف در ضمانت اجرای

1 -redo slavmier

2 -John.p. Dussich

3- femici

این مقررات و نپیوستن برخی از کشورها به آنها، اجرایی شدن این تدابیر به عنوان یک چالش بزرگ برای جامعه جهانی مطرح بوده است. از اقدامات سازمان ملل در حوزه پیشگیری از بزه‌دیدگی زنان، می‌توان به اعلامیه‌های محو خشونت علیه زنان<sup>۱</sup> و حذف انواع تبعیض علیه زنان و کنوانسیون حقوق کودک، اعلامیه جهانی حقوق بشر<sup>۲</sup>، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی<sup>۳</sup>، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی<sup>۴</sup>، کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، پروتکل اختیاری کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان<sup>۵</sup>، کنوانسیون مقابله با قاچاق انسان و استعمار از طریق فحش‌های دیگران<sup>۶</sup> اشاره کرد (قربان‌نیا، ۱۳۸۳، ص ۲۲۳)، که قانونگذار ایران نیز در سال‌های گذشته تقریباً بیشتر این اعلامیه‌ها و پروتکل‌ها را پذیرفته و در اصلاحات قوانین جزایی و مدنی اعمال کرده است. همچنین منشور ملل متحد بر حقوق مساوی بین زن و مرد تأکید کرده و اعلام نموده که فعالیت سازمان باید بدون تمایز میان جنس، زبان، نژاد و مذهب انجام شود (آخوندان، ۱۳۹۵، ص ۱۴). بنابراین، با توجه به اینکه بزه‌دیده‌شناسی آبی معمولاً در سه حوزه فراتقنینی، تقنینی و فروتقنینی در جوامع مورد بررسی قرار می‌گیرد، به نمونه‌هایی از قوانین و سیاست‌های وضع شده در ایران در فاصله سال‌های ۱۳۵۴ تا ۱۳۸۹ که به نوعی تحت تاثیر اسناد و قوانین بین‌المللی وضع گردیده اشاره می‌شود.

## روش

این پژوهش از نوع اسنادی بوده که به روش توصیفی تحلیلی و با تکیه بر اسناد و مقررات بین‌المللی و مطالعه قوانین و مقررات ایران به خصوص آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در حوزه حمایت‌های پلیسی از زنان و کودکان بزه‌دیده به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای انجام گرفته است.

1- The convention of elimination all violence against women 1993

2- Universal Declaration of Human Rights 1948

3- International Covenant on Civil and Political Rights 1966

4- International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights 1966

5- Optional Protocol to the Convention on the Elimination of Discrimination against Women 1999

6- Convention for the Suppression of the Traffic in Persons and of the Exploitation of the Prostitution 1951

## یافته‌ها

در ابتدای این بخش لازم است یادآوری شود که تنها موردی که در نظام کیفری ایران، به طور مستقیم و به صراحت، موضوع خشونت علیه زنان را مطرح و نفی کرده، لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت است که از سال ۱۳۹۵ تاکنون در دست بررسی قرار دارد و پس از اصلاحات متعدد و کارشناسی از دولت به مجلس برای طی تشریفات قانونی در ۱۳۹۹/۱۰/۲۴ ارسال شده است (شیخ الاسلامی، ۱۳۹۷، ص ۲۱۲). در سال‌های اخیر همانند قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری و همچنین قوانین مدنی همانند قانون حمایت از خانواده، گام‌های مهمی در راستای تطبیق قوانین داخلی با قوانین بین‌المللی برداشته شده است. در میان انواع هنجارها و مقررات قانونی، تعدادی از هنجارها که با عنوان هنجارهای فراتقنینی<sup>۱</sup> یاد می‌شوند، از راهبردهای اصلی سیاست جنایی به شمار می‌آید. به عنوان مثال، قانون اساسی بیشتر از اینکه یک قانون باشد به عنوان یک میثاق و تعهد ملی مورد پذیرش برای کل جامعه و غیر قابل تغییر مگر به موجب تشریفات خاص شناخته شده است، یا قوانین برنامه توسعه و چشم‌اندازهای ملی برای یک یا چند دهه آینده کشور وضع شده‌اند. پیش‌بینی مقرراتی در خصوص حمایت از زنان و کودکان و جرم‌انگاری برخی از رفتارها در قوانین جزایی و همچنین سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه پنج ساله جنبه‌ای اساسی و فراتقنینی به این موارد داده تا اقدام در خصوص حمایت از زنان و کودکان بزه‌دیده علاوه بر پلیس، بر عهده همه نهادهای دولتی و عمومی قرار گیرد و مورد غفلت واقع نشود که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: اصل بیستم قانون اساسی که مقرر دارد: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، حقوق سیاسی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند». در واقع این اصل کاملاً منطبق است با ماده یک کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان مصوب ۱۹۷۹، که صراحتاً مقرر می‌دارد تبعیض علیه زنان به معنی قائل شدن هرگونه تمایز، استثناء یا محدودیت براساس جنسیت است.<sup>۲</sup> این کنوانسیون بر برابری

1 - Extra legislative norms

2- The Declaration on the Elimination of Violence against Women 1979

کامل زن و مرد و از میان رفتن همه انواع تمایزها در عرصه‌های مختلف حقوقی، سیاسی و اجتماعی تاکید داشته و در کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان نیز تاکید بر حقوق اجتماعی زنان وجود دارد که اصل بیستم قانون اساسی نیز بیانگر این مهم می‌باشد. قانونگذار ایران نیز در این راستا تعهداتی را پذیرفته است (زینالی، ۱۳۹۸، ص ۲۴) و تعهداتی که مورد پذیرش نظام حقوقی ایران قرار نگرفته در واقع با موازین شرعی و قوانین داخلی ایران در تعارض بوده و یا با فرهنگ ایرانی اسلامی همخوانی نداشته است. همچنین اصل ۲۱ قانون اساسی در مقام تبیین جزئیات حمایت از زنان و سیاستگذاری در این زمینه بیان می‌دارد: «دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد: یک) ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او؛ دو) حمایت مادران، به خصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، و حمایت از کودکان بی سرپرست؛ سه) ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده و ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست؛ چهار) اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آن‌ها در صورت نبودن ولی شرعی». بسیاری از این تدابیر حمایتی از زمان تصویب قانون اساسی ایران تا به امروز با قوانین و مقررات مختلف از جمله قانون حمایت از خانواده جامه عمل پوشیده و اجرایی شدند، هرچند هنوز تا رسیدن به نقطه مطلوب فاصله زیادی وجود دارد و صرف قانونگذاری بدون توجه به متغیرهای دیگری که بر خانواده و جایگاه زن تاثیر مستقیم دارد، همانند وضعیت اقتصادی، اصلاح دیدگاه‌های فرهنگی و اجتماعی و مانند آن، نمی‌تواند پیشگیری موثری از بزه‌دیدگی زنان و دختران انجام دهد. فرزند کشی بنا به دلایل سنتی و ناموسی همانند مواردی که در سال ۱۳۹۸ اتفاق افتاد و عدم امکان پیشگیری از آن‌ها توسط پلیس و سایر نهادهای حمایتی نشان می‌دهد همچنان زنان و کودکان در معرض بزرگ‌ترین خطرات اجتماعی قرار دارند.<sup>۱</sup> در اسناد ملی و راهبردی که در سال‌های پس از پیروزی انقلاب

۱- قتل فجیع یک کودک ۱۳ ساله به دست پدرش با داس در حال خواب در یکی از استان‌های کشور به دلیل فرار از خانه موج گسترده‌ای از واکنش‌های اجتماعی و حقوقی را در جامعه در پی داشت.

اسلامی در ایران تدوین شده، توجه ویژه‌ای به موضوع خانواده، زنان، کودکان و پیشگیری از بزه‌دیدگی آنان اشاره شده که اهم آن عبارتند از: سند چشم‌انداز الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت که این سند در سال ۱۳۹۷، مبانی و آرمان‌های پیشرفت ایران را در ۵۰ سال آینده طراحی کرده و به بررسی ابعاد و مبانی مختلف زندگی اعم از مسائل فرهنگی و اقتصادی پرداخته است. تدبیر شماره ۴۱ این سند، بر منزلت و جایگاه اجتماعی زنان و نیز ایجاد فرصت‌های عادلانه برای آنان تاکید داشته و این امر حاکی از آن است که مسئله زنان و نیز دسترسی به فرصت‌های شغلی برابر با مردان یکی از دغدغه‌های متفکرین در طی سال‌های پیش رو بوده و نشان از آن دارد که زنان در قوانین و مقررات ما همواره مورد مذاقه قانونگذار اسلامی و فعالان حقوق بشر بوده‌اند (اویلی، ۱۳۹۷، ص ۵۰۲). در این سند جایگاه زنان در خانواده تثبیت شده و همزمان امکان اشتغال آن‌ها در مشاغلی که به وظایف مادری آن‌ها آسیب نمی‌زند فراهم شده است که مقررات مربوط به این موضوع در قانون کار با ممنوعیت ارجاع کار فیزیکی سنگین به زنان و یا بکارگیری زنان باردار اجرایی شده و در سایر مشاغل، با اعطای تسهیلاتی از جمله خدمت نیمه وقت و یا بازنشستگی با سنوات کمتر اعمال می‌گردد و در راستای اجرای این سند، زنان در ایران در مشاغلی همانند پلیسی و پرستاری با دارا بودن ۱۵ سال سابقه خدمت می‌توانند پیش از موعد بازنشسته شوند. در برنامه چهارم توسعه چندین ماده به مسئله زنان اختصاص یافته و بر اساس ماده ۳۰، دولت موظف شده به منظور اجرای اصل ۳۱ قانون اساسی، به سازندگان مسکن که برای زنان بی سرپرست خانه می‌سازند، یارانه کارمزد تسهیلات مسکن پرداخت نماید. در ماده ۴۵ سیاست‌های اشاره شده که دستگاه‌های اجرایی موظفند درصدی از اعتبارات هزینه ای خود را برای طراحی و اجرای دوره‌های آموزشی ضمن خدمت کارکنان، به ویژه زنان صرف کنند. همچنین در راستای ایجاد عدالت در پرداخت حقوق و مزایا، افزایش مستمری ماهیانه خانواده‌های نیازمند و بی سرپرست و زنان سرپرست خانواده تحت پوشش دستگاه‌های حمایتی بر مبنای چهل درصد حداقل حقوق و دستمزد گنجانده شده است (کلهر، ۱۳۹۰، ص ۶۷). یکی از اقدامات دیگری که در این راستا انجام گرفته و بسیار نتایج مثبتی داشته



اجرای ماده ۱۴ قانون حقوق و مزایای مستمر ارتش است که بر اساس آن اگر یکی از کارکنان نظامی یا انتظامی به هر دلیلی با سنوات خدمتی بالای ۱۵ سال اخراج شود، به همسر او سه پنجم حقوق و مزایای وی تعلق می‌گیرد و این امر باعث می‌شود تا همسر و فرزندان این افراد دچار عسر و حرج نشوند.<sup>۱</sup> برنامه پنجم توسعه مصوب ۱۳۹۰ نیز در مواد ۳۹ و ۲۳۰، به صراحت در راستای حمایت و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی زنان تدوین شده و بر تقویت نهاد خانواده و جایگاه زنان در همه امور مشتمل بر محورهای تحکیم بنیان خانواده، بازنگری قوانین و مقررات مربوطه، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، توسعه و ساماندهی امور اقتصادی و معیشتی با اولویت ساماندهی مشاغل خانگی برای زنان سرپرست خانوار و زنان بدسرپرست (شاید بتوان گفت قانونگذار به طور ضمنی در مقام حمایت از زنانی که در معرض خشونت کلامی و یا فیزیکی قرار گرفته‌اند برآمده است)، تأمین اجتماعی، اوقات فراغت، پژوهش، گسترش فرهنگ عفاف و حجاب، ارتقای سلامت (با هدف اصلاح و درمان زنان آسیب دیده)، توسعه توانایی‌های سازمان‌های مردم نهاد، ارتقای توانمندی‌های زنان مدیر و نخبه، توسعه تعاملات بین‌المللی، تعمیق باورهای دینی و اصلاح ساختار اداری تشکیلاتی زنان و خانواده تاکید داشته است. و در نهایت در برنامه ششم توسعه مصوب ۱۳۹۶ با سیاست گذاری در حوزه‌های مختلف برای زنان از جمله عدالت جنسیتی و ارتقاء شغلی که اصلی ترین بخش مربوط به زن و خانواده در برنامه ششم توسعه در قانون فوق می‌باشد با رویکرد عدالت جنسیتی، دستگاه‌های اجرایی را موظف به برنامه ریزی در جهت تحکیم بنیان خانواده، استیفای حقوق زنان و ارتقای نقش ایشان در مسیر رشد و توسعه کشور می‌سازد. هرچند قوانین برنامه توسعه یکی پس از دیگری اجرایی شدند، اما بسیاری از تدابیر مندرج در این برنامه‌ها با علل و عوامل مختلفی تحقق پیدا نکردند (ملک‌زاده، ۱۳۸۵، ص ۳۲). انتظار می‌رفت که در پایان اجرای برنامه

۱. فلسفه وضع این قانون به یک ماجرای واقعی مربوط می‌شود که طی آن همسر زنی به اتهام رابطه نامشروع از خدمت اخراج شده و بلافاصله پس از اخراج به یکی از استان‌های جنوبی متواری می‌شود و در نتیجه همسر وی با چهار فرزند بدون حقوق و مستمری باقی می‌ماند لذا تصویب این قانون یکی از گام‌های مثبت و قابل تحسین قانونگذار ایرانی در جهت حمایت از حقوق زنان و کودکان محسوب می‌گردد.

ششم توسعه حداقل بخشی از سیاست‌های مندرج در آن در خصوص حمایت از زنان در معرض آسیب و ایمن سازی جامعه برای فعالیت‌های آنان تحقق یابد، اما همچنان که بسیاری از بخش‌های دیگر این برنامه‌ها تحقق نیافته، بخش مربوط به حمایت از زنان نیز تنها در برخی از حوزه‌های تقنینی تحقق یافته است<sup>۱</sup>. به نحوی که به دلیل مشکلات متعدد، حتی پیش‌بینی بند ت ماده ۱۰۸ قانون برنامه ششم توسعه ایران، در خصوص نسبت ماموران پلیس به کل جمعیت که ۲۰ به ۱۰۰۰ و نسبت ماموران زن به ماموران مرد که ۱۵ به ۱۰۰ می‌باشد نیز تحقق پیدا نکرده و پلیس اطفال نیز همچنان در مرحله تشکیل قرار دارد. قوانینی نیز وجود دارد که به عنوان اقدامات تقنینی در جهت حمایت از زنان شناخته شده‌اند؛ در این خصوص می‌توان به قانون مجازات اسلامی و برخی مقررات جزایی اشاره کرد که در جهت حمایت از زنان، رفتارهای مختلفی را جرم انگاری کرده‌اند. در ماده ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ (بخش تعزیرات)، تعرض به زنان در دوران بارداری به این شکل جرم انگاری شده که «هر کس عالماً و عامداً به واسطه ضرب یا اذیت و آزار زن حامله، موجب سقط جنین وی شود، علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص حسب مورد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد». سپس در ماده ۶۱۹ همان قانون، یکی از مواد قانونی که از امنیت و آسایش زنان به طور کامل حمایت می‌کند، انشاء گردیده و عنوان شده «هر کس در معابر عمومی یا اماکن عمومی متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود و یا با الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت به آنان توهین کند به حبس از دو ماه تا شش ماه و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شوند» (اسدی، ۱۳۸۱، ص ۶۵). قانون حمایت از اطفال و نوجوانان نیز که در سال ۹۹ به تصویب رسید، در زمینه

۱. به عنوان مثال در ماده ۴۲ قانون این دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ عنوان شده: ((بازجویی و انجام تحقیقات مقدماتی از زنان و اطفال حتی امکان باید توسط پلیس آموزش دیده زن انجام پذیرد.)) ولی نکته جالب اینجاست که حتی در این ماده هم مقنن از کلمه می‌بایست که در برگیرنده مفهوم الزام است استفاده نکرده و از واژه حتی الامکان که در برگیرنده مفهوم الزام با وجود شرایط است استفاده نموده که نشان می‌دهد بسترهای لازم در جامعه برای انواع حمایت‌های کیفری از زنان به خصوص زنان بزه‌دیده وجود ندارد و الزام سازمان‌ها به رعایت آنها بدون داشتن امکانات مالی و نیروی انسانی عاقلانه نمی‌باشد.

حمایت از اطفال و نوجوانان مقرره‌های متعددی را وضع کرده است و یکی از موضوعات مهمی که در قانون مذکور جرم انگاری شده است موضوع خودکشی است؛ ماده ۱۴ این قانون، نمایانگر تلاش مقنن در جهت پیشگیری از پدیده خودکشی در میان اطفال و نوجوانان می‌باشد که گام بسیار مهمی در جهت حمایت افتراقی است. **ایجاد مزاحمت برای کودکان و زنان از جرایم عمومی غیر قابل گذشت بوده و بدون شک آزار و اذیت جنسی بر زنان و دختران به عنوان یکی از انواع انحرافات اجتماعی و مصداق بارز خشونت علیه آنان محسوب می‌شود.** به همین دلیل نظام‌های مختلف کیفری در جهان، راهکارها، تدابیر و اقدامات ویژه‌ای را درخصوص کنترل، برخورد و ریشه کن کردن آن اتخاذ کرده‌اند. اقدامات حمایتی پلیسی برای کاهش خشونت‌های خانوادگی و پیشگیری از آن، راه‌اندازی بخش مشاوره در اکثر کلانتری‌های کشور می‌باشد که در این بخش با استفاده از پلیس زن آموزش دیده، به زنان بزه‌دیده و یا در معرض آسیب، انواع آموزش‌های پیشگیری و اعلام خشونت ارائه شده و برخی از آن‌ها به انجمن‌های حمایت از زنان همانند انجمن‌های زنان بی سرپرست معرفی می‌شوند. در چند دهه گذشته، تلاش‌های فزاینده‌ای در سطح بین‌المللی برای جلوگیری از خشونت علیه زنان، از جمله مهم‌ترین نوع خشونت فیزیکی یعنی قتل آنها صورت گرفته و نابرابری‌های جنسیتی و همچنین نگرش‌ها و کلیشه‌های منفی در مورد زنان و دختران به خصوص بهره‌کشی جنسی از آنها در کشورهای غربی، یکی از دلایل قتل آنها شناخته شده است (صادقی فسائی، ۱۳۹۰، ص ۳۷).

برابر آمارهای پلیس آگاهی در سال ۱۳۹۶ و همچنین دادسرای ویژه قتل تهران، بیشترین انگیزه برای وقوع قتل زنان در تهران موضوعات مرتبط با مسائل خانوادگی بوده و در شهرستان‌ها موضوعات ناموسی در رتبه اول قرار دارند. در خصوص قتل کودکان نیز، علت اصلی اعتیاد والدین به مواد مخدر صنعتی یا ابتلای آنان به اختلالات روانی بوده که ضرورت مداخله پلیس و دستگاه قضایی برای مهار حالت خطرناک برخی از والدین به کمک دولت، جامعه مدنی و عموم شهروندان را اجتناب ناپذیر می‌سازد. زنانی که قبلاً به

دلایلی آسیب دیده و یا در حاشیه اجتماع و در انزوای زندگی می‌کنند<sup>۱</sup>، بیشتر در معرض خطر بوده و زنانی که از فقر اقتصادی و فرهنگی رنج برده و یا مهاجر هستند نمونه‌هایی از زنان آسیب پذیر محسوب می‌شوند<sup>۲</sup> (رستمی، ۱۳۹۷، ص ۷۶). خشونت ممکن است لفظی، رفتاری و یا اقدامی باشد که هدف آن رنجاندن، هشدار، تحقیر، ارباب، خوار کردن و شرمسار نمودن زنان بوده و یکی از اقدامات پیشگیرانه در نظام کیفری ایران در زمینه کاهش خشونت‌های کلامی و رفتاری با زنان و کودکان استفاده از پلیس زن است تا بدین وسیله از نابهنجاری‌هایی که بر روحیه کودکان و زنان تاثیر منفی دارد در فضای جامعه کاسته شود. همچنین یکی از ماموریت‌های بخش مشاوره در کلانتری‌ها، شناسایی و گزارش موارد کودک آزاری و همسر آزاری در مواردی است که بزه دیده یا مجنی علیه به دلیل اینکه تحت سلطه بزهکار قرار دارد، نمی‌تواند آن را گزارش نماید (عبدی نژاد، ۱۳۹۵، ص ۴۵۳). در کنوانسیون رفع اشکال خشونت، میان خشونت‌های رفتاری و خشونت جنسی تمایز ایجاد شده و در خصوص تعریف خشونت جنسی مقرر می‌دارد: «خشونت جنسی، هر نوع پیشنهاد جنسی، تقاضای عمل جنسی، آزار فیزیکی و کلامی دارای ماهیت جنسی و یا هر نوع رفتار جنسی است که منجر به اهانت یا تحقیر زنان یا کودکان گردد»<sup>۳</sup> (آذری، ۱۳۹۸، ص ۲۶۰). تقریباً برای همه مواردی که در این تعاریف آورده شده در قانون مجازات اسلامی تحت عنوان تجاوز به عنف، مزاحمت برای زنان و... جرم انگاری شده است. حمایت از تمامیت جسمانی زنان در قانون سقط درمانی که به صورت ماده واحده در سال ۱۳۸۴ تصویب شد، که در مقام حمایت از زنان البته با محدودیت‌هایی در مقایسه با هنجارهای بین‌المللی انجام شده است. در متن ماده واحده آمده است: «سقط

۱. منظور زنانی هستند که کمتر در اجتماع حاضر شده و معاشرت با همسایگان و دوستانشان ندارند.

۲. مروری بر پرونده‌های جنایی در اداره قتل آگاهی تهران نشان می‌دهد که ۴۵ درصد از زنانی که در طول یک سال به قتل رسیده‌اند به تنهایی و به دور از اقوام و بستگان خود زندگی می‌کردند برخی از این افراد از همسران خود طلاق گرفته و برخی دیگر نیز زنانی بودند که ازدواج نکرده اما زندگی پر خطر مجردی را به زندگی ایمن در کنار خانواده ترجیح می‌دهند.

3- UN secretariat ,prohibition of discrimination ,harassment ,including sexual harassment and abuse of authority, february 2008

درمانی با تشخیص قطعی سه پزشک متخصص و تأیید پزشکی قانونی مبنی بر بیماری جنین که به علت عقب افتادگی یا ناقص‌الخلقه بودن موجب حرج مادر است یا بیماری مادر که با تهدید جانی مادر توأم باشد قبل از ولوج روح (چهارماه) با رضایت زن مجاز است و مجازات و مسئولیتی متوجه پزشک مباشر نخواهد بود<sup>۱</sup>. براساس گزارش سازمان بهداشت جهانی هیچ کشوری وجود ندارد که در شرایط تهدید خطر جانی برای مادر، سقط را نپذیرد و در ماده ۱۲ کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان آمده که دولت‌های عضو برای رفع تبعیض از زنان در زمینه مراقبت‌های بهداشتی آنان، کلیه اقدامات لازم را به عمل خواهند آورد تا دسترسی به خدمات بهداشتی از جمله خدماتی که به تنظیم خانواده مربوط می‌شوند، بر اساس رعایت مساوات بین مردان و زنان تضمین شود. در واقع هدف از قانونی کردن سقط جنین، حق دسترسی برابر به مراقبت‌های ایمنی در حوزه حقوق سلامت<sup>۱</sup> توسط سازمان بهداشت جهانی است تا از سقط‌های غیرقانونی و زیرزمینی جلوگیری کند (حاج علی، ۱۳۸۱، ص ۲۱۴). رویکرد پلیس در ایران برای پیشگیری از سقط جنین به خصوص در مواردی که بنا به دلایل مختلف هر دو والدین تصمیم به انجام آن می‌گیرند، این است که مراکز درمانی و پزشکانی که مبادرت به این امر می‌نمایند به شدت مورد کنترل قرار می‌گیرند و این کنترل در خصوص مراکز درمانی و پزشکانی که سابقه ارتکاب چنین اعمالی دارند استمرار دارد، اما پیشگیری پلیسی نافی پیشگیری اجتماعی نبوده و لازم است پیشگیری اجتماعی از سقط جنین نیز تقویت شود. در قانون مدنی ایران، مواد ۱۰۴۱ و ۱۱۰۵ و ۱۱۳۰ و ۱۱۶۹، به حقوق زنان اختصاص داده شده و در میان این مواد، ماده ۱۰۴۱ مثال مهمی در خصوص کنترل کودک همسری است (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶، ص ۷۲). در سال ۲۰۰۱ پیشرفت چشمگیری در زمینه حمایت از دختران صورت گرفت و سن بلوغ از ۹ سال به ۱۳ سال افزایش یافت، اما هم‌چنان اجازه ازدواج را در اختیار پدر و یا تشخیص دادگاه قرار داده‌اند و کنوانسیون‌های الحاقی از جمله کنوانسیون حقوق کودک و پروتکل‌های آن از دیگر مقررات غیر کیفری است که ایران با حق تحفظ<sup>۲</sup> به آن پیوسته

1- Public health law

2- Reservation of rights

است (لیندمن، ۲۰۱۲، ص ۳۴۲). نظام حقوقی ایران از ابتدا تاکنون در خصوص شرط حداقل سن برای اقدام به ازدواج، دستخوش تحولات متعددی شده و مقررات متنوعی را تجربه نموده است (شکری، ۱۳۸۷، ص ۴۷). در ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی، نکاح دختر قبل از بلوغ منوط به اجازه ولی و به شرط رعایت مصلحت مولی علیه بوده و ماده ۱۰۴۳ نیز نکاح دختر باکره را اگرچه به سن بلوغ رسیده باشد، موقوف به اجازه پدر و یا جد پدری وی می‌داند. همچنین ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی نیز بیان می‌دارد: «در صورتی که دوام زوجیت موجب عسر و حرج زوجه باشد<sup>۱</sup> وی می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند و چنانچه عسر و حرج مذکور در محکمه ثابت شود دادگاه می‌تواند زوج را اجبار به طلاق نماید و در صورتی که اجبار میسر نباشد زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده می‌شود». در سال ۱۳۷۰ عقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی به شرط رعایت مصلحت مولی علیه پذیرفته شده و در سال ۱۳۸۰ مقرر شد: «عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح» و نیز یکی از وظایفی که به ضابطین دادگستری زن در مراکز مشاوره کلاتری‌ها داده شده این است که در صورت مشاهده مواردی همانند کودک همسری و... به سرعت مراتب را به مقام قضایی اطلاع دهند تا از وقوع جرایم و آسیب‌های بعدی پیشگیری شود.

بر مبنای قانون واگذاری حق حضانت فرزندان صغیر و یا محجور به مادران آنها و نقش کلاتری‌ها در اجرای آن که در سال ۱۳۶۴ تصویب شد، حضانت فرزندان صغیر یا محجوری که پدران‌شان به مقام والای شهادت رسیده و یا فوت شدند، با مادران آنها خواهد بود و هزینه متعارف زندگی این فرزندان چنانچه از اموال خودشان باشد در اختیار ولی شرعی است و اگر از طریق بودجه دولت و یا از بنیاد شهید پرداخت می‌شود، در اختیار مادرانشان قرار می‌گیرد، مگر آن که دادگاه صالح در موارد ادعای عدم صلاحیت مادر حکم به عدم صلاحیت بدهد. همچنین ماده ۱۱۶۹ در خصوص حضانت و نگهداری

۱. خشونت فیزیکی، کلامی و حتی روانی می‌تواند از مصادیق تمثیلی عسر و حرج باشد

طفلی که والدین او از یکدیگر جدا زندگی می‌کنند، مادر را تا سن ۷ سالگی دارای اولویت بر شمرده است. زمانی که حضانت طفل بر عهده مادر بوده و مادر ازدواج کند، حضانت از او سلب شده و به پدر واگذار می‌گردد. بنابراین بسیاری از مادران تا زمانی که سرپرستی فرزندان خود را بر عهده دارند در راستای حفظ این حق قانونی خود، اقدام به ازدواج نمی‌کنند و این امر از نظر شرعی و انسانی شاید تا حدودی بر خلاف مصلحت زنان باشد. شایان به ذکر است در خصوص مسئله حضانت رویه‌های کشورهای متفاوت بوده و در برخی از کشورها، در بحث حضانت طفل دختر، مادر تا رسیدن به سن بلوغ که سن پانزده سال است حضانت را بر عهده دارد و بعد از آن حق انتخاب با دختر بوده و برای پسر نیز تا سن هفت سال حضانت با مادر می‌باشد<sup>۱</sup> (صفدری، ۱۳۹۸، ص ۲۵). نقش پلیس در اجرای این قانون به مشاوره و معاضدت قضایی به مادرانی بر می‌گردد که به دلیل ادعای اطرافیان، کودکان صغیر در معرض آسیب و از بین رفتن حق حضانت و یا محرومیت از آن قرار می‌گیرند. یک پیشرفت دیگر در زمینه حمایت از زنان، تعیین تکلیف فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی است که براساس آن فرزندان زنان ایرانی که با مردان خارجی ازدواج می‌کنند، قبل از رسیدن به سن ۱۸ سالگی به درخواست مادر ایرانی در صورت نداشتن مشکل امنیتی به تابعیت ایران در می‌آیند. در ماده ۱۶ کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، آن‌ها از حقوق و مسئولیت‌های یکسان در مورد قیمومت، حضانت و سرپرستی و به فرزندی گرفتن کودکان برخوردار بوده و در ماده ۹ دول عضو را مکلف کرده که به زنان و مردان در مورد تابعیت فرزندانشان حقوق برابر و یکسان اعطا کنند. بر اساس قانون مدنی ایران، تابعیت از طریق مادر به فرزند منتقل نشده و در واقع این لایحه را می‌توان گام مهمی در اصلاح قوانین در جهت رفع تبعیض علیه زنان دانست (تدین، ۱۳۸۷، ص ۱۱۲). تلاش‌های جهانی در راستای حمایت از کودک به عنوان آسیب پذیرترین عضو خانواده، منجر به تصویب کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۹۸۹ گردید که ایران در سال ۱۳۷۲ طی ماده واحده‌ای به شرط عدم مغایرت مفاد آن سند

۱. قانون عربستان (التشريع الجنائي الاسلامي)

با موازین شرعی و حقوق داخلی به آن پیوست. یکی از تعارضات بین این کنوانسیون و حقوق داخلی ایران، معیار و ملاک سن کودک است به این صورت که کنوانسیون حقوق کودک، فرد کمتر از هجده سال را کودک شمرده، اما در قوانین ایران با تاکید بر جنسیت و در نظر گرفتن اماره بلوغ، دختر را تا ۹ سالگی و پسر را تا ۱۵ سالگی کودک طفل می‌دانند. بنابراین پرسش اصلی این است که آیا در شرایط فعلی جوامع، دختر ۹ ساله بالغ شده است؟ برخی پاسخ‌ها به این سوال منفی است، زیرا بلوغ فقط بلوغ بیولوژیک نبوده و یک دختر ۹ ساله را به سختی می‌توان از لحاظ روانی که یکی دیگر از معیارهای بلوغ است، بالغ نامید (ارسطا، ۱۳۸۱، ص ۲۱۳). قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۲۵ می سال ۲۰۰۰ با عنوان «همکاری دول عضو جهت حفظ منافع کودکان و جلوگیری از قاچاق و هرزه نگاری» موردی دیگر از اقدامات غیر کیفی است که بر طبق مواد آن، کشورهای عضو فروش، فحشاء و هرزه‌نگاری کودکان را به گونه‌ای که در این پروتکل پیش‌بینی گردیده، ممنوع خواهند ساخت.

سومین اقدامات در راستای حمایت از زنان در ایران اقدامات فروتقینی<sup>۱</sup> می‌باشند که شامل آیین نامه‌ها و بخشنامه‌ها و سایر مقررات بوده و مهم‌ترین آنان راه‌اندازی بخش مشاوره به خانواده‌ها در کلانتری‌ها و آیین نامه اشتغال زنان در جمهوری اسلامی است که به آنها اشاره می‌شود. آیین نامه اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۱ با الهام از هنجارهای بین‌المللی به ویژه آن چه در کشورهای متحد منعکس شده، مقرراتی را در مورد اشتغال زنان در جمهوری اسلامی در سال ۱۹۹۲ به تصویب رساند و براساس آن باید امکانات لازم برای بهره‌مندی از توانایی زنان و امکان رشد و پیشرفت آنان به طور خاص در محل کار فراهم شده تا از سلامتی جسمی و روحی یا عاطفی آنها حفاظت شود. در ماده ۱۱ کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، عنوان شده که کلیه دول عضو موظفند تا هر گونه تبعیض علیه زنان در زمینه اشتغال را از بین ببرند و به منظور حمایت‌های



روانی و اجتماعی و به ویژه مددکاری اجتماعی از بزه‌دیدگان و خانواده‌های‌شان به ویژه بزه‌دیدگان زن که بیشتر در معرض بزه‌دیدگی ثانویه خواهند بود مراکز مشاوره‌ای در کلاتری‌ها ایجاد گردیده است که امروزه نزدیک به ۴۴ مرکز در کلاتری‌ها خدمات مشاوره را ارائه می‌دهند.

### بحث و نتیجه گیری

دامنه وسیعی از مقررات بین‌المللی، حمایت‌هایی را نسبت به زنان و کودکان بزه‌دیده شامل می‌شود که به دلیل آسیب‌های فراوان اجتماعی، تاکید بیشتر بر مواردی همانند اعمال خشونت و تبعیض علیه این افراد بوده است ولیکن با وجود این هنجارهای بین‌المللی، تاکنون بنا به دلایل زیادی از قبیل فرهنگ حاکم بر جوامع و عدم وجود ضمانت اجراهای قدرتمند، بسیاری از کشورهای جهان حتی کشورهای پیشرفته نیز نتوانسته‌اند به طور کامل این موارد را اجرایی نمایند. در پاسخ به این سوال که مهم‌ترین چالش فراروی نظام حقوقی و کیفری ایران در راستای حمایت از زنان بزه‌دیده با تاکید بر بزه‌دیده‌شناسی آبی و اسناد بین‌المللی چیست، می‌توان بیان داشت در نظام کیفری و حقوقی ایران نیز قانونگذار، هم سو با مقررات بین‌المللی، در سطوح فراتقنینی و تقنینی و فروتقنینی اقدام به جرم‌انگاری و وضع قوانین حمایتی در جهت حمایت از زنان نموده است. اما مهم‌ترین چالش فراروی نظام حقوقی و کیفری ایران در راستای حمایت از زنان بزه‌دیده با تاکید بر بزه‌دیده‌شناسی آبی و اسناد بین‌المللی مربوط به سیاست جنایی اجرایی بوده و سیاست جنایی تقنینی ایران در سال‌های گذشته توانسته بسیاری از هنجارهای بین‌المللی در این زمینه را تبدیل به قوانین و مقررات کیفری و یا حمایتی نماید. برابر یافته‌های این پژوهش، نظام کیفری و حقوقی ایران در سطوح قضایی و اجرایی دچار نواقص و کاستی‌هایی در مقایسه با معیارهای بین‌المللی بزه‌دیده‌شناسی آبی بوده و در نتیجه در برخی موارد امکان حمایت کامل از زنان در برابر آسیب‌های اجتماعی به صورت کامل فراهم نمی‌گردد، اما توجه به قوانین وضع شده نشان می‌دهد قانونگذار ایران در مسیر درستی حرکت کرده است. به عنوان نمونه پیش‌بینی بازجویی و انجام تحقیقات مقدماتی از زنان و کودکان توسط پلیس

آموزش دیده زن و همچنین اعطای صلاحیت به نهادهای مدنی و سازمان‌های مردم نهاد حامی زنان بی سرپرست در پیگیری شکایات آن‌ها در این قانون، گام‌های بسیار مهمی در راستای حمایت از زنان در فرآیند دادرسی و پیشگیری از بزه‌دیدگی ثانویه آن‌ها بوده است. همچنین جایگاه خانواده و اشتغال زنان در برنامه‌های پنج ساله توسعه ایران و پیش‌بینی برنامه‌های منسجم برای دولت و نهادهای عمومی دولتی و غیر دولتی نشان از عزم مقنن برای ارتقای کمی و کیفی زندگی زنان در ایران است، اما اینکه تا چه اندازه مقررات و سیاست‌گذاری‌ها در مسیر مشخص شده اجرایی شده و علل و عوامل موثر در عدم تحقق برخی از برنامه‌های تدوین شده در حوزه حمایت از زنان به خصوص زنان بزه‌دیده به مسائل اقتصادی و اجتماعی برمی‌گردد. در نهایت یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که با وجود اقدامات تقنینی و پلیسی بسیار مطلوب و مناسب در سال‌های اخیر برای رفع خشونت علیه زنان در ایران، وضعیت زنان و کودکان به خصوص دختران در جامعه ایرانی تحت تاثیر مسائل مختلف اجتماعی و در راس آن مشکلات فرهنگی هنوز به طور کامل در مسیر رفع خشونت و تبعیض قرار نگرفته است. از طرف دیگر عدم اجرای کامل قوانین حمایتی مرتبط با زنان و کودکان همانند قوانین مرتبط با حمایت از زنان سرپرست خانوار و کودکان کار، نشان می‌دهد اقدامات تقنینی زمانی مثمر ثمر می‌باشد، که زمینه‌های اجرایی آن فراهم شده و جامعه هم از نظر فرهنگی آماده پذیرش آن باشد.

**پیشنهادها:** بر اساس یافته‌های پژوهش پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود.

- ارتقای سطح تعامل بین نهادهای دولتی و غیر دولتی ملی و همکاری آن‌ها با سازمان‌های بین‌المللی در زمینه حمایت از زنان و کودکان به خصوص زنانی که در معرض آسیب و بزه‌دیدگی قرار دارند و ایجاد بانک اطلاعاتی در قوه قضائیه و پلیس پیشگیری در خصوص خشونت علیه زنان و پیشگیری از بزه‌دیدگی ثانویه آنها؛

- گسترش بخش مشاوره کلاتری‌های با استفاده از زنان پلیس آموزش دیده و مسلط به علوم جنایی و روان‌شناسی با هدف‌شناسایی و رسیدگی به زنان و کودکانی که در معرض خشونت و سایر آسیب‌های اجتماعی قرار دارند؛
- اتخاذ تدابیر مناسب برای پیشگیری از خشونت علیه زنان در فرآیند رسیدگی در مراجع قضایی و ادارات پلیس با راه‌اندازی پلیس اطفال و تامین پلیس زن در سراسر کشور؛
- گسترش مراکز معاضدتی جهت ارائه خدمات به زنان و کودکان خشونت دیده در حوزه‌های مختلف درمانی، اقتصادی و قضایی با استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد و همچنین به کارگیری اساتید و حقوق دانان در قالب پلیس افتخاری؛
- وضع استراتژی‌هایی در متون فرا تقنینی در حوزه محو خشونت علیه زنان و دختران که میزان جدیت مقنن را در خصوص حمایت از آنان را نشان دهد؛
- انجام پژوهش‌های علمی مرتبط با مسائل زنان به منظورشناسایی چالش‌های پیش روی در فرایند بزه‌دیدگی‌شان؛
- آموزش نحوه پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی به والدین و سرپرستان قانونی، با هدف ایجاد مهارت‌های کارآمد در جهت کاهش خشونت مانند کنترل خشم و چگونگی مواجهه با مشکلات به ویژه آموزش نحوه مدیریت فرزندان به والدین؛
- ایجاد محدودیت در خصوص پیشگیری از کودک همسری، از جمله محدود کردن ثبت واقعه ازدواج به گذراندن دوره‌های توانمندسازی؛
- بکارگیری راهکارهای مراقبتی و حفاظتی توسط مراجع قضایی در مواردی که احتمال اعمال فشار بر بزه‌دیده برای انصراف از شکایت وجود دارد.

## قدردانی

از همه اساتید محترم به خاطر راهنمایی و مساعدت در نگارش این مقاله سپاسگزارم و همچنین از مسئولین محترم مرکز آموزش کوثر دانشگاه علوم انتظامی امین به خصوص مسئولین نشریه پلیس زن که زمینه تحقیق و پژوهش در حوزه زنان و بزه‌دیده‌شناسی را فراهم نموده‌اند، کمال تشکر و قدردانی را دارم.

## منابع

- ارسطا، محمد جواد (۱۳۸۱). بازنگری در سن بلوغ و آثار فقهی قبل از بلوغ در حقوق ایران. فصلنامه طلوع. (۴)۵، ۲۰۸-۲۲۱ / <https://elmnet.ir/Article/1051764-35118/>
- اسدی، لیلیا (۱۳۸۱). تحلیل قوانین و مقررات کیفری مرتبط با زنان از زمان تصویب تا نحوه اجرایی شدن آن، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان (۱۵)، ۶۱-۸۴. قابل بازیابی از: <http://ensani.ir/fa/article/89312/>
- آخوندان، الهام (۱۳۹۵). حمایت‌های ویژه از زنان در معاهدات عام بین‌المللی، فصلنامه مطالعاتی حمایت از حقوق زنان. (۳)۵، ۱۴-۳۴، قابل بازیابی از: <https://civilica.com/doc/665102/>
- آذری، هاجر؛ بابازاده، زهرا (۱۳۹۸). حمایت از زنان بزه‌دیده خشونت جنسی خانگی در نظام عدالت کیفری ایران. فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی. (۴۹)، ۲۵۹-۲۸۰. قابل بازیابی از: <http://ensani.ir/fa/article/424374/>
- آقابابایی، حسین؛ موسوی، ریحانه (۱۳۹۱). پیشگیری از بزه‌دیدگی زنان و حمایت از آن‌ها از منظر آموزش‌های اسلامی و چالش‌های فرا رو. فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری. (۲)۳۶، ۵۲-۴. قابل بازیابی از: <http://ensani.ir/fa/article/316274/>
- بای، حسین علی (۱۳۹۸). ملاحظاتی پیرامون ازدواج فرزند خوانده با سرپرست در حقوق ایران، فصلنامه فقه اهل بیت. (۷۳)، ۶۵-۸۹، قابل بازیابی از: <http://ensani.ir/fa/article/333991/>
- تدین، عباس؛ یوسفی، مجید (۱۳۸۷). تاثیر ازدواج مرد خارجی و زن ایرانی بر تابعیت فرزندان آنها، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان. (۴۰)، ۱۱۲-۱۳۲. قابل بازیابی از: <https://www.magiran.com/paper/559542>

- حاج علی، فریبا (۱۳۸۱). سقط درمانی و آسیب‌شناسی اجتماعی آن. فصلنامه مطالعات زنان. ۶۹(۶)، ۴۴-۶۷. قابل بازیابی از:  
[http://journals.police.ir/article\\_11208.html](http://journals.police.ir/article_11208.html)
- حاجی ده آبادی، محمد علی (۱۳۹۶). سازو کارهای حمایتی تقنینی و اجرایی از زنان در پرتو علت‌شناسی بزه‌دیدگی آنان در سیاست جنایی افتراقی، دوفصلنامه پلیس زن. ۲۶(۲)، ۴۲-۵۶. قابل بازیابی از: [http://journals.police.ir/article\\_11208.html](http://journals.police.ir/article_11208.html)
- حافظیان، محمد حسین (۱۳۸۷). سازمان‌های زنان در ایران عصر پهلوی. فصلنامه مطالعات حقوقی و سیاسی. ۱(۲)، ۹۲-۱۱۲. قابل بازیابی از:  
<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=110399>
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۸). درآمدی بر جرم‌شناسی، تهران: نشر سمت (چاپ دوم)
- رستمی، تورج (۱۳۹۷). شناسایی علل فرار دختران از منزل در استان کرمانشاه. دو فصلنامه مطالعات پلیس زن. ۲(۲۹)، ۷۴-۸۲. قابل بازیابی از:  
[http://ps.jrl.police.ir/article\\_20313.html](http://ps.jrl.police.ir/article_20313.html)
- رضوانی، سودابه؛ غنی‌زاده بافقی، مریم (۱۳۹۸). خانه‌های امن به مثابه درمانگاه زنان خوشونت دیده خانگی فصلنامه مطالعات راهبردی زنان. ۱۱(۷)، ۱۱۷-۱۳۸ قابل بازیابی از:  
[http://www.jlj.ir/article\\_36869.html](http://www.jlj.ir/article_36869.html)
- زینالی، حمزه (۱۳۹۸). اثرات فقدان حمایت کیفری مناسب از زنان بر بزه‌دیدگی آنها، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۳(۳)، ۲۱-۴۳، قابل بازیابی از:  
<http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-2216-fa.html>
- شکری، فریده (۱۳۸۷). بررسی حقوقی سن ازدواج و رشد دختران در ایران. فصلنامه مطالعات راهبردی زنان. ۸۷(۴۰)، ۴۴-۶۵. قابل بازیابی از:  
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/334567/>
- شیخ‌الاسلامی، عباس؛ شاهیده، فرهاد (۱۳۹۸). رویکرد بزه‌دیده‌شناسی قانونی نسبت به بزه‌دیدگی زنان (با نگاهی به قوانین کیفری و رویه قضایی)، پژوهشنامه حقوق کیفری. ۹(۲)، ۲۱۲-۲۳۴، قابل بازیابی از: <http://ensani.ir/fa/article/391465/>
- صادقی فسائی، سهیلا؛ میرحسینی، زهرا (۱۳۹۰). عوامل موثر بر بزه‌دیدگی زنان شهر تهران. پژوهشنامه زن در توسعه و سیاست. ۹(۱)، ۳۵-۵۴. قابل بازیابی از:  
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/334567/>

- صفدری، امیر حسین؛ تاج الدین، امیر (۱۳۹۸) نگاهی حقوقی به حضانت اطفال. فصلنامه پژوهش و مطالعات اسلامی. (۱)، ۲۱-۳۵، قابل بازیابی از:  
<https://www.magiran.com/paper/2014438>
- علیخانی، مصطفی؛ اسکندری، حسین (۱۳۹۳). نظریه پردازی و کشف الگوی فرآیند مقابله با اختلالات جنسی آسیب زای منجر به اختلافات زناشویی. فصلنامه پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری. ۶(۴)، ۳۰۸-۳۲۱، قابل بازیابی از:  
<http://ensani.ir/fa/article/332329/>
- فرزین راد، رویا (۱۳۹۸) جایگاه پلیس زن در تامین امنیت جامعه اسلامی. دوفصلنامه مطالعات پلیس زن. ۱۳(۳۱)، ۸۲-۹۵. قابل بازیابی از:  
<http://noormags.ir/view/fa/articlepage/1676787/>
- قمی اوپلی، الهام (۱۳۹۸). جایگاه مشارکت مدنی در پیشگیری از بزه‌دیدگی ثانویه زنان. فصلنامه علمی حقوقی قانون یار. ۲(۶)، ۵۰۱-۵۲۳، قابل بازیابی از:  
<https://www.magiran.com/paper/1853048>
- لیندمن، لیندا؛ کاتالینا، آراتا (۲۰۱۲). ازدواج، کودک آزاری و بزه‌دیدگی جنسی ثانویه. (نوروز کارگری، مترجم). فصلنامه فقه و حقوق. ۸۶(۱۵)، ۱۱۳-۱۳۱، قابل بازیابی از:  
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/328220/>
- مشهدی، علی؛ کرمی، موسی؛ شکیب نژاد، احسان (۱۳۹۹). تاملی بر کارآمدی کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان کنوانسیون ۲۰۱۱ استانبول از نظر پیشگیری و مبارزه با خشونت بر علیه زنان. پژوهشنامه حقوق بشری. ۵(۱۹)، ۱۰۷-۱۳۵، قابل بازیابی از:  
<https://www.magiran.com/paper/2115578>
- ملک‌زاده، فهیمه (۱۳۸۵). زنان در قوانین موضوعه ایران، فصلنامه ندای صادق. ۱۱(۴۴)، ۲۱-۴۳، قابل بازیابی از:  
<https://www.magiran.com/volume/34257>
- منتظری، سیدهادی (۱۳۹۶). نگاهی به حقوق زنان از منظر حقوق بین‌الملل؛ مطالعه موردی کنوانسیون رفع تبعیض بر علیه زنان. فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان. ۳(۹)، ۶۸-۸۶ قابل بازیابی از:  
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1287269/>
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۸۴). سرکوب بهره‌کشی زنان در پهنه بین‌المللی و اروپایی زن و حقوق کیفری. نخستین همایش بین‌المللی زن و حقوق کیفری: گذشته، حال و آینده، تهران: انتشارات سلسبیل

- نجفی توانا، علی (۱۳۹۶). جرم‌شناسی، تهران: انتشارات آموزش و سنجش (چاپ نوزدهم)

- Asli, M. R., & Byouki, M. A. (2016). Forced Marriage in Islamic Countries: The Role of Violence in Family Relationships. In *Women And Children As Victims And Offenders: Background, Prevention, Reintegration* (pp. 729-753). Springer, Cham.
- Baker, C. N. (2008). *The women's movement against sexual harassment*. Cambridge University Press.
- Bayefsky, M. J., Bartz, D., & Watson, K. L. (2020). Abortion during the Covid-19 pandemic—ensuring access to an essential health service. *New England Journal of Medicine*, 382(19), e47.
- Dussich, J. P. (2016). Blue Victimology and Femicide: The United Nations' Response to Victims and Female Victims of Gender Killings. In *Women and Children as Victims and Offenders: Background, Prevention, Reintegration* (pp. 47-65). Springer, Cham.
- Todd-Gher, J., & Shah, P. K. (2020). Abortion in the context of COVID-19: a human rights imperative. *Sexual and reproductive health matters*, 28(1), 1758394.

